

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم بسم الله الرحمن الرحيم

و به نَسْتَعِين، اِنَّه خَيْر نَاصِرٍ و مُعِين وَصَلَّى اللهُ عَلٰى مُحَمَّدٍ و آلِهِ طَاهِرِينَ و لَعَنَتْ اللهُ عَلٰى اَعْدَائِهِمْ اَجْمَعِينَ مِنَ الْاِن
اِلَى قِيَامِ يَوْمِ الدِّينِ. اَللّٰهُمَّ وَاَنْطِقْنِيْ بِالْهُدٰى، وَاَلْهِمْنِي التَّقْوٰى

جلسه ای دیگر را در موضوع دیگر از بحث غدیر و مقایسه آن با ادله دیگر امامت و ولایت امیرمؤمنان علی علیه السلام در خدمت شما برادران عزیز و همچنین بینندگان و مستمعین محترم در سرتا سر جهان هستیم. موضوع بحث در قسمت دیگر: چهار غدیر و احادیث وصایت است. قبل از شروع بحث، دو نکته خدمت شما عرض می کنم بعد به حول و قوه الهی و با توسل به آقا امیرمؤمنان علی علیه السلام به بحث ورود می کنیم.

نکته اول: ضرورت و اهمیت بحث

نکته دوم: یک بیوگرافی و گزارش اجمالی از مجموعه بحث هایی که در این زمینه می توان مطرح کرد که اگر ما نرسیدیم ادامه دهیم، شما سلسله بحث هایی مربوط به وصایت را دنبال کنید.

اما نکته اول: ضرورت بحث، طرح بحث وصایت امیرمؤمنان علی علیه السلام از جهاتی ضرورت دارد. اصلاً بحث ما مربوط به بعد از وفات امیرالمؤمنین علیه السلام است که این بحث مطرح شود. گرچه طرح حدیث غدیر الان موقعیت دارد و طرح و واقعه غدیر باید زنده شود. اما من معتقدم طرح غدیر و واقعه غدیر، یکی از ابعاد مسئله وصایت امیرمؤمنان علی علیه السلام است. از معنای لغوی و اصطلاحی که ذکر می کنم، روشن می شود که بعد از پیغمبر صلی الله علیه و آله برای ما عهد است.

نکته و جهت دوم: همان طور که برای ضرورت بحث عرض کردم، این که اهل سنت تا توانستند با این احادیث مخالفت کردند، انواع مخالفت ها اعم از این که تمام سندها را تقریباً تضعیف کردند. چون فرصت کم است، فقط اشاره ای می کنم که از هر کدام از این ها یک پرونده ای آماده و کامل کرده ایم. گرچه یک فصل و یک فایل آوردیم، روایات اهل سنت در مورد احادیث وصایت است. یک سری از این روایات را روی مبانی خود سنت تصحیح سندی کردیم. کسانی که از صحابه نقل کردند، در مصادر سنی آورده ایم. می دانید که در صحی اصلاً نیست بلکه معارضانش است، انکار آن را در صحیح بخاری و مسلم آورده؛ از چه کسانی؟ در قسمت دوم بحث عرض می کنم. تقریباً در مصادر دست چندم سنی ها در کتاب موضوعات آوردند، **ابن الجوزی** در کتاب **الموضوعاتش** (نعوذ بالله تعالی) در **موضوعات**، روایات جعلی در فضایل خلفا فصلی دارد. جالب این است یک که باب روایات موضوع جعلی در فضایل ابوبکر، حرف خیلی عجیبی دارد. در باب ابوبکر که می رسد، می گوید: اهل سنت آمدند روایاتی را درباره اولی، «ابوبکر» جعل کردند. چرا؟ چون دیدند طرفداران علی ابن ابیطالب علیه السلام یک سری روایاتی راجع به امیرالمؤمنین علی علیه السلام دارند. برای این که به قول معروف کم نیاورند، این ها هم آمدند یکسری وارد کردند. این تصریح دارد. اولین بحث درباره احادیث جعلی در باب ابوبکر، ایشان در فضایل امیرالمؤمنین علیه السلام که می رسد، یک بخشی از فضایی که جعلی می آورد، احادیث وصایت است.

تک تک احادیث وصایت امیرالمؤمنین علیه السلام را در اسناد سنی آورده، تضعیف می کند. سیوطی کتابی به نام **اللالی المصنوعة** دارد. **لولوهای مصنوع** یعنی ساختگی در فضائل امیرالمؤمنین علیه السلام که می رسد، به احادیث جعلی وصایت اشاره کرده. ما چکار کردیم؟ حالا باز کتابی دارد (حالا این بحث های بیوگرافی باشد که نمی رسم)، **قاضی شوکانی** حنفی کتاب های زیادی دارد و مورد توجه زیدی ها هم زیاد هست. بعضی ها می گویند زیدی، حنفی هست. ایشان کتابی بنام **«العقد الثمین فی إثبات وصایة امیر المؤمنین»** دارد. سنی ها در صدد انکار آن هستند. ما شواهد زیادی داریم که برای خود شوکانی هست. چون شوکانی سلفی بود، سلفی ها خیلی به شوکانی نظر دارند. سنی ها به او توجه دارند. ایشان روایاتی که در بابت وصیت امیرالمؤمنین علیه السلام و از پیغمبر صلی الله علیه و آله تصریح دارد، به عنوان وصیت جمع کرده، تعبیرهای زیادی دارد. این لقب برای امیرالمؤمنین علیه السلام مشهور است. شما در **لسان العرب و قاموس المحيط** و کتب لغت را نگاه کنید. اصلاً می گوید: لقب **الوصی** بطور مطلق من القاب امیرالمؤمنین علیه السلام هست. لغوین تقریباً اتفاق دارند که این لقب از القاب امیرالمؤمنین علیه السلام هست. ایشان این کتاب را آورده.

شما اگر با اینترنت سر و کار دارید، شخصی هست بنام **دکتر کواری**، معاصر هست، ایشان الان در قطر هست. مقاله ای نوشته، چاپ شده، مستقل هست. اسم کتاب او **«العقد الثمین فی تضعیف احادیث وصایت امیرالمؤمنین علیه السلام»** یعنی در رد کتاب عقد الثمین شوکانی است. تمام اسناد احادیث الوصایه را چه کسی نقل کرده؟ **مُسْنَدِ** مثلاً چه کسی؟ **مُسْنَدِ** چه فردی؟ از اول تا آخر، آمده همه را تضعیف کرده! ما مجدد چکار کردیم؟ ما آمدیم به حول و قوه الهی و با توسل با امیرالمؤمنین علی علیه السلام بر تمام این کتاب یک نقدی نوشتیم، تمام اسناد را از اول تا آخر، بحث های سندی، بحث های دلالی، این که از چه راهی می توانیم بحث های کلی و تک تک این ها را مناقشه کردیم. این هم یک بخش دیگر.

پس به لحاظ سند آمدند و سعی کردند یک سند درست باقی نگذارند. یا در کتاب موضوعات آوردند یا تک تک سندها را تضعیف کردند. این از لحاظ سند.

قسم دوم، کاری که برای لوث کردن آن انجام دادند، بعضی هایشان که نتوانستند این احادیث را به لحاظ سند چون که متواتر است، از بین ببرند، حتی بین سنی ها تصریح، بعضی ها اجماع، شهرت و تواتر است، آمدند بر دلالت آن خدشه وارد کردند. مثل **طبرانی**، مثل **ابن ابی الحدید**، آمدند گفتن این وصیت! یعنی وصیت در اهل. پیغمبر صلی الله علیه و آله سفارش کرده تو وصی در بین اهل بیت علیهم السلام هستی، نه در امت و خلافت و جانشینی. این هم یک دسته دیگر.

پس آن هایی که نتوانستند در سندی که متواتر هست، مناقشه کنند، در دلالت آن خدشه کردند و به اهل تعبیر کردند.

دسته سوم: از اقدامات و تهاجمی که بر این احادیث وارد شده که من معتقد هستم که بر هیچ کدام از احادیث، حتی غدیر نشده، انواعی از تحریفات نسبت به احادیث وصایت شده. از باب نمونه، آن هایی که در ذهن من هست، مثلاً این ها را که به چشم خود دیدم، عرض می کنم و شما را راهنمایی می کنم که بروید ببینید. همین یک نمونه بس هست. طبری دو کتاب، یکی تاریخ و یکی تفسیر دارد. تفسیر طبری بنام **جامع البیان** سی جلد هست. طبری یک شخصیت مهم، مورخ و محدث و مفسر هست. در کتاب تاریخ قصه قطع عشیره، انذار عشیره را آورده. قصه اش معروف هست. نکته مهم می دانید اولین ابلاغ پیغمبر صلی الله علیه و آله، هنگامی که در سال سوم تبلیغ مأمور به تبلیغ شد، آیه آمد **«وَأَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ»** اولین ابلاغ ایشان، وصایت بود. پس خیلی مهم هست.

بایستی روی آن کار کنیم. قصه معروف است. الان عرض می کنم آخرین ابلاغیه پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله که بعد آن پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله در سانسور و محاصره رفت، بعد از قصه غدیر تا زمان شهادت پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله حدود ۷۵ یا ۸۰، هشتاد و دو روز فاصله است.

یک موقعی من خدمت **علامه جعفر مرتضی عاملی** در قم بودیم، شاید حدود بیست سال پیش و قبل از اینکه ایشان به لبنان برود. رفیق مان از ایشان یک سؤال کرد: حاج آقا تعجب است بعد از غدیر تا زمان شهادت پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله ما تاریخ کم داریم. سیره نویسان خیلی

نپرداخته اند. چرا؟ گفت درست است. در تاریخ این فطره بسیار بسیار بغرنج است. پیچیده و بسته است. چرا؟ ما به این نتیجه رسیدیم که طیف مدرسه خلفا، آن هایی که لبالمرصاد بودند که خلافت را منحرف کنند، همین که دیدند پیغمبر اکرم ﷺ نقشه هایشان را بر باد داد، آمدند خانه پیغمبر اکرم ﷺ را محاصره کردند. افراد که می روند و می آیند را در محاصره قرار دادند و کسی حق رفت و آمد ندارد. این فطره، چون پیغمبر اکرم ﷺ بعد از غدیر چه کرد؟ این خیلی مهم است. پیغمبر اکرم ﷺ بعد از غدیر چه اقداماتی در راه تثبیت خلافت امیرالمؤمنین ﷺ انجام دادند، خیلی مهم است.

من معتقدم، من نه، خداوند مرحوم مظفر را رحمت کند. شیخ محمدرضا مظفر کتابی به نام «السقیفه» دارد. این کتاب را بخوانید، واقعا زیباست. سه برادر هستند، محمدحسین، محمدحسن صاحب کتاب «دلایل الصدق» که بهترین کتاب کلامی در شیعه است که از متاخرین ماست و یکی هم محمدرضا صاحب کتاب «المنطق و اصول فقه مظفر». محمدحسین هم کتابی دارد بنام «علم الامام» ایشان (محمدرضا) در کتاب السقیفه اش می گوید: یکی از اقداماتی که پیغمبر اکرم ﷺ در راستای تثبیت خلافت امیرالمؤمنین علی ﷺ بعد از غدیر انجام داد، این است: همان قصه بعث جیش الاسامه است.

این نقشه ای از پیامبر اکرم ﷺ بود در تثبیت خلافت؛ چرا؟ پیامبر اکرم ﷺ دستور داد همه باید از مدینه خارج بشوند و در لشکر اسامه! اصلا چرا پیامبر اکرم ﷺ اصرار داشتند زید فرمانده باشد؟ زید حدودا نوزده ساله است. پیرمردهایی از صحابه بودند که آن ها را فرماندهی می کرد. اصرار و اعتراض کردند که یا رسول الله! این تازه وارد و جوان است. این همه فرمانده های پیشکسوت و نخبه داریم. چرا زید؟ فرمود: اگر بر این اعتراض می کنید، بر پدرش هم اعتراض کردید. چرا اصرار بر امارت او دارد؟ می گویند برای امیرالمؤمنین ﷺ. پیغمبر اکرم ﷺ می داند که بعد از ایشان، یکی از اعتراضات که بر امامت حضرت دارند، این است که او جوان و نیخته است. حضرت می گویند: لیاقت مهم است.

حضرت عملاً دارند قصه امیرالمؤمنین ﷺ را تثبیت می کنند.

پیغمبر اکرم ﷺ فرمودند: همه بروند. حتی آن هایی که می دانست نقشه کشیده اند. به اولی و دومی خبر رسید که پیغمبر اکرم ﷺ در بستر مرگ هستند. آن ها برگشتند. صاحب کتاب «الملک و النخل» آقای شهرستانی نقل می کند. پیغمبر اکرم ﷺ نفرین کردند. «لَعْنُ اللَّهِ مَنْ تَخَلَّفَ عَنِ جَيْشِ أُسَامَةَ». گفتند: نه، پیغمبر ﷺ دارد از دار دنیا می رود و ما نمی توانیم و تحمل نداریم ببینیم. بروید، در این لشکر همه باید باشند.

اما ایشان می گوید (مظفر) می گوید: ما هیچ جا نداریم! در همین قصه بعث جیش الاسامه که علی ﷺ گفته بروید. اگر علی ﷺ در این بعث، لشکر رفته بود. فرمانده امیرالمؤمنین ﷺ بود اما امیرالمؤمنین ﷺ نرفتند.

ایشان می گوید: برخی از طرفداران امیرالمؤمنین ﷺ را نگهداشتند. چرا؟ این ها را بیرون کرده بود که بروند. اواخر عمر پیغمبر اکرم ﷺ است تا ایشان تا از دنیا رفتند، این چند نفر با امیرالمؤمنین ﷺ بیعت کنند و مسئله خلافت امیرالمؤمنین ﷺ تمام شود. و وقتی این ها برگشتند، با یک عمل تمام شده روبرو شوند. این ها فهمیدند و نقشه پیغمبر اکرم ﷺ را بهم زدند.

حالا چه توطئه و نقشه هایی؟ این ها جای بحث و بررسی دارد. پیغمبر ﷺ چه نقشه ها و چه اقداماتی داشتند؟ من معتقد هستم پیغمبر اکرم ﷺ حتی قبل از بعثت، رسول خدا ﷺ، قبل از بعثت امیرالمؤمنین ﷺ را برای روز غدیر آماده کرد. حالا فرصتی باشد، عرض می کنم. قبل از بعثت در طول این بیست و سه سال چه کرد؟

قصه وصایت هم همین بود اما نقشه را بر باد داد. پس این هم یک بُعد کار. این ها آمدند تحریف کردند. حالا قصه طبری را برایتان عرض کنم. طبری در تاریخش اینطور نقل می کند. می گوید سال سوم بعثت آیه آمد و «وَأَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ». راوی آن هم امام علی ﷺ است که سنی ها خواستند سند این را تضعیف کنند، ما آن را تصحیح کردیم. چون یک سند دیگری بر قصه شأن نزول آیه «وَأَنْذِرْ

عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ» دارند. که در بخاری نقل کرده، ما آن را به لحاظ دلالتی مناقشه کردیم. گرچه آن ها سند آن را به لحاظ دلایل، مناقشه نمی کنند. اگر فرصت شد، می رسیم.

امیرالمؤمنین علیه السلام می فرمایند: این آیه که در سال سوم بعثت نازل شد، پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود: برو نزدیکان را دعوت کن. چهل نفر کمتر یا بیشتر، می گویند دعوت کردیم. وقتی همه خوردند، سیر شدند، پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود: «فَأَيُّكُمْ يُؤَاظِنُنِي عَلَى هَذَا الْأَمْرِ عَلَى أَنْ يَكُونَ أَخِي وَوَصِيي». اولین ابلاغیه، «يَكُونُ أَخِي وَوَصِيي وَخَلِيفَتِي فِيكُمْ».

حضرت دست بلند کرد، من هستم. پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود: «إِنَّ هَذَا أَخِي وَوَصِيي وَخَلِيفَتِي فِيكُمْ فَاسْمَعُوا لَهُ وَأَطِيعُوا» هم به خلافت در زمان حیات اشاره کرد و هم به وصایت! حالا شما نگاه کنید، ذیل همین آیه شریفه، ببینید طبری چه نقل می کند. تفسیر آن را نگاه کنید.

حالا این برای خودش است یا برای چاپ مطبوعه هاست که چاپ کردند، نمی دانم. طبری این قصه را در تفسیرش اینطور نقل می کند، (عرض کردم یا از خودش). می گوید: پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود: «فَأَيُّكُمْ يُوَاظِنُنِي عَلَى هَذَا الْأَمْرِ عَلَى أَنْ يَكُونَ أَخِي وَوَصِيي؟». حالا چرا می گوید و کذا و کذا ...

آیا پیغمبر صلی الله علیه و آله می فرماید و کذا و کذا؟ مجمل حرف می زند؟ چطور طبری آنجا آن طور نقل کردی؟ اینجا می گویی و کذا و کذا. بعد می گوید: علی علیه السلام دستش را بلند کرد، پیغمبر صلی الله علیه و آله هم فرمود: انت اخي و کذا و کذا ... این را من به چشم خود دیدم.

منصفان برونند ببینند این حقایق را بفهمند و ببینند که از طرف همین متعصب ها چه کلاهی سر بعضی ها گذاشته شده، ما نمی دانیم کار کیست؟

ولی افراد دیگری که از این قصه ها، تحریف ها و انواع مختلفی نقل کرده، مثلاً از باب نمونه، قصه نامه محمد ابن ابی بکر به معاویه را برخی از مورخان نقل کردند. گویا طبری نقل کرده اما ابن کثیر که گویا از آن نقل می کند، بعد از آن تحریف می کند، می گوید من این نامه را نقل نمی کنم. می دانید تعبیر آن چیست؟

یک قسمت آن این است، در آن آمده لَك الْوَيْلُ، وای بر تو معاویه که خودت را با علی علیه السلام که وصی رسول خداست، مقایسه می کنی؟ این قسمت را حذف کرد. چرا؟ می گوید ما این را نقل نمی کنیم «فیه نگاره»، حرف های تندی در آن دارد. وصایت امیرالمؤمنین علیه السلام تند است. محمد ابن ابی بکر تند شده، به ما می گوید ما نقل نمی کنیم، مردم تحمل شنیدن آن را ندارند. باز شما نگاه کنید. نمونه های زیادی، حدود ده نمونه از تحریف ها در احادیث وصایت را علامه عسکری در کتاب «معالم المدرسة العین» خودش در جلد یک، همه این ها از انواع و اقسامش را یکی پس از دیگری آورده. قصه خطبه امام حسین علیه السلام روز عاشورا را بعضی ها نقل کردند که امام حسین علیه السلام

فرمود: «اسمعوا» تقریباً به این معنی گوش کنید. «انسبونی من أنا» به من بگویید من چه کسی هستم؟ «أَلَسْتُ ابْنَ بَنْتِ رَسُولِ اللَّهِ» بعد این را دارد. «أَلَسْتُ ابْنَ بَنْتِ نَبِيِّكُمْ وَابْنِ وَصِيِّهِ» بعضی از متأخران در همین خطبه و با همین سند «وَابْنِ وَصِيِّهِ» را حذف کردند و نقطه گذاشتند. چرا می ترسند؟ از غدیر نترسیدند، حذفش نکردند. این ها را این طوری حذف کردند. یکی از مورخان به نام

دکتر طه حسین مصری، در چاپ اول کتاب خودش، همین ذیل آیه شریفه قصه انزار عشیره، همین قصه را آورده: «فَأَيُّكُمْ يُؤَاظِنُنِي عَلَى هَذَا الْأَمْرِ عَلَى أَنْ يَكُونَ أَخِي وَوَصِيي» در چاپ دوم کتابش حذف کرده. در چاپ دوم به او دستور داده شده حذف کن. چرا؟ چرا تحریف؟ چرا حذف؟ می ترسند. ببینید از چیزی که آن ها می ترسند، ما باید آن را پخش کنیم. این ها را باید پخش کرد و باید گسترش داد. این یک بخش کار است.

پس ببینید در بخش های مختلف اهل سنت آمدند به این حدیث دست درازی کردند. ما چکار کردیم؟ آمدیم هم سندهای صحیح از سنی ها آوردیم، تواتری از سنی ها درست کردیم، بعد از آن شبهات و اشکالاتی که وارد کردند را جواب دادیم. به مناسبت تحریفات آمده ایم به طور گسترده، بسیار کار ارزشمندی است، تحریفات کتب اهل سنت نسبت به فضائل اهل بیت علیهم السلام و نسبت به مطاعن خلفا شاهد آوردیم. گفتیم در این قسمت بخاری تحریف کرده، اینجا نقل معنا کرده، چون از مطاعن خلیفه است. همه را مقایسه کردیم. یکی از موارد آن همین نقل حدیث وصایت امیرالمؤمنین علیه السلام است که پیغمبر صلی الله علیه و آله خواست وصیت نامه را بنویسد. این نقل به معنا کرده اند. «**قَالَ إِنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَلَبَهُ الْوَجَعُ**» این نقل به معنا است. وقتی که این عبارت. «**إِنَّ الرَّجُلَ لَيَهْجُرُ**» را می خواهند بگویند، می گویند: «**قَالَ رَجُلٌ إِنَّ الرَّجُلَ لَيَهْجُرُ**» این «**رَجُلٌ**» چه کسی است؟ وقتی می گویند: «**قَالَ عُمَرُ إِنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَلَبَهُ الْوَجَعُ وَعِنْدَنَا كِتَابُ اللَّهِ حَسْبُنَا**» ما یک عبارتی از کتب سنی ها پیدا کردیم، می گوید: «**فَقَالَ عُمَرُ: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ قَدْ غَلَبَ عَلَيْهِ الْوَجَعُ**» این اهل معنا می گوید عمر یک چیزی گفت که مضمون آن این است. پس یک بخش تحریفات را آورده ایم، بخش دیگر آمدیم شعرا الوصی، از زمان پیغمبر صلی الله علیه و آله از سنی و شیعه، بخش دیگری از بحث های تاریخی آوردیم. وصایت از آدم تا خاتم، وصی حضرت آدم علیه السلام که بود؟ لکل نبی وصی را ثابت کردیم، هر پیغمبری وصی ای داشته، می شود پیغمبر ما وصی نداشته باشد؟ این را بررسی تاریخی کردیم. آمدیم در فاز کتب شیعه، حالا بعضی از این بحث ها را برایتان باز کنم، ما یک تتبعی کردیم، مجموعه روایاتی که در باب وصایت از اهل بیت علیهم السلام در بحار آمده، در بخش های مختلف، اوصاف اوصیای پیغمبر صلی الله علیه و آله را جمع کرده ایم.

حدود شصت صفت و ویژگی برای اوصیای پیغمبر صلی الله علیه و آله جمع کرده ایم، ویژگی های و شرایط وصی پیغمبر ما چیست؟ همه از روایت شیعه است. ما یک بحثی تحت عنوان منکران وصایت مطرح کردیم: اول کسی که منکر وصایت شد، عایشه است. روایت آن در بخاری آمده و قصه خیلی عجیبی دارد.

به قول علامه عسکری می گوید: می دانید شروع این کار از چه زمانی شد؟ وقتی که می خواست به جنگ جمل برود، داشت به جنگ جمل می رفت، عده ای گفتند: عایشه با چه کسی می جنگی، کجا داری می روی؟ مگر نمی دانی علی علیه السلام وصی پیغمبر صلی الله علیه و آله است؟ گفت: چه کسی گفته؟ هنگام وفات پیغمبر صلی الله علیه و آله سر پیغمبر صلی الله علیه و آله در دامان من بود. به کسی وصیت نکرد! اول کسی که تخم انکار وصایت را کاشت، عایشه بود. این را در بخاری دارد. منکر شد. مواقف گوناگون: چرا؟ چون کلاه سر وجدان خودش بگذارد، او دارد به جنگ می رود. اگر او وصی پیغمبر صلی الله علیه و آله است، چگونه بتواند برود با او بجنگند. نفر دوم که باز در صحیح بخاری به او اشاره شده، ابن ابی اوفاست، **عبدالله ابن ابی اوفاست** یکی از صحابه است. در کتاب **الوصایا** ببینید. به او گفتند قرآن می گوید هر کسی باید وصی داشته باشد، وصیت کند. گفت: نه! پیغمبر صلی الله علیه و آله وصیت به کتاب کرده، اوصی به کتاب الله والسلام.

بعد این خط ادامه پیدا کرد. کسانی که این خط انکار وصایت را دنبال کردند و جواب به شیعه آوردند. شبهات وصایت؛ حدود سی اشکال، متأسفانه بعضی از این مدعیات روشن فکرمآب حدود سی اشکال و شبهه در باب وصایت بیان کرده اند، سنی و شیعه. همه را در یک جلد مستقل جمع کردیم. حالا در این جلسه فازی را شروع کنم که تیمناً و تبرکاً روایاتی از اهل بیت علیهم السلام خوانده باشیم. اما روش تحقیقی ذوقی خودمان را هم عرض می کنم. این کاری که من انجام دادم، **آدمم المعجم المفهرس بحار** در الفاظ مختلف را گرفتم. روایاتی که در آن لفظ وصایت آمده، در بحار می دیدم که مربوط به چه عنوانی می شود. در فایل های مختلف می بردم. لذا این موضوعات در روایات شیعه جمع بندی شد. پس در واقع این جلسه و تتمه آن در جلسه بعد، احادیث وصایت را در مصادر اهل بیت علیهم السلام بررسی می کنیم.

عرض کردم من تتبع کردم، شاید بتوانیم بگوییم شما خودتان مقایسه کنید، حدیث غدیر در روایات شیعه را ببینید. یک مورد جالب برایتان تعریف کنم، بروید و روی این فکر کنید و جوابش را بیاورید. این قصه دوات و قلم که فاز مستقل شده، از جمله کسانی که منکر

وصایت نشد و نگذاشت وصایت پیغمبر ﷺ نوشته شود، خلیفه دوم، یعنی عمر ابن خطاب است که قصه اش را عرض کردم. جالب این است که بخاری نقل کرده است، همه نقل کرده اند ولی در مصادر شیعه کمتر آمده. قصه نوشتن دوات و کتف قلم نیامده. سرش چیست؟ روی آن فکر کنید و جلسه دیگر به یک نتیجه گیری برسیم.

در منابع ما سلیم نقل کرده. بله سلیم قصه دوات و قلم را نسبتاً مفصل آورده. بعضی دیگر مثل شیخ مفید هم در کتاب هایش آورده و دیدید و شنیدید که یکی از آقایان هم آمد و انکار کرد. گفت: آقایان اهل سنت بیابید و جمعش کنید. یکی از حضار می پرسد: «آیا سلیم محتوای نامه را نوشته یا چیز دیگری از قول آقا امیرالمؤمنین ﷺ نقل کرده؟»

بگذارید من همین جا این نکته را عرض کنم. محتوای نامه چیست؟

من معتقدم یکی از تحریفات این است که می گوید خب چرا پیغمبر ﷺ نوشت؟ وقتی جمعیت را بیرون کرد، چرا نوشت؟ ما معتقدیم نوشت.

هم از مصادر سنی و هم از مصادر شیعی استفاده می شود. پیغمبر ﷺ وقتی که دید این گروه مخالف هستند (لذا من معتقدم یکی از اقداماتی که شیعیان در راستای تثبیت ولایت و امامت مولا امیرالمؤمنین ﷺ انجام دادند، این بود) در جلسه روز پنجشنبه، طرفداران امیرالمؤمنین ﷺ با حضرت بودند. در مقابل طیف مدرسه خلفا و طرفداران اولی و دومی. این ها می گفتند بیاورید و آن ها می گفتند بیاورید، نزع شد. «فتناز عوا» پیغمبر ﷺ فرمود: بیرون بروید و همه را بیرون کرد. بنا بر نقل سلیم اما روز بعد امیرالمؤمنین ﷺ و طرفدارانش را آورد، دعوت کرد، سفارش کرد، وصیت کرد بعد از من چه کسی وصی هست؟ بعد از وصی، دوازده نفر بعد وصی هستند و جالب این است که یک روایت صحیح بخاری دارد، در باب الوصایا ببینید.

ما معتقدیم از روایات تحریف شده، باز هم در باب وصایت است. بخاری نقل از ابن عباس نقل می کند. پیامبر ﷺ فرمود: اوص النبی الی ثلاث. ابن عباسی که حافظه قوی داشته و مورد اتفاق فریقین در نقل احادیث و حفظ حدیث است، البته صحیح بخاری از ابن عباس نقل می کند:

۱- قافله هایی که وارد مکه می شوند، همانگونه که من دستور دادم، همان طور وارد شوند.

۲- ان تخرج المشرکین من جزيرة العرب